

به فرمان خامنه‌ای از سال "رونق تولید" (۱۳۹۸) به سال "جهش تولید" (۱۳۹۹) پرتاب شده‌ایم و دیگر هیچ!

امیرجوهری لنگرودی

ای خزان‌های خزانده در عروق سبز باغ
کاین چنین سرسبزی ما پایکوبان شماست
از تبار دیگریم و از بهار دیگریم
می‌شویم آغاز از آن جایی که پایان شماست
محمد رضا شفیعی کدکنی

اگر از آسمان سنگ شرر و فتنه ببارد، این عجززکان از قبورِ قرون و اعصار ره‌اشده، همان می‌نمایند که هر سال در نوترین روز سال بر منجلیق فتنه می‌بارند و مشت بر سندان می‌کوبند و لاطائلاتی را به نام پیام نوروزی تحویل مردم دهند و دیگر هیچ!

امسال نرخ مزد کارگران تعیین نشده، خامنه‌ای با نام‌گذاری «جهش تولید» سال ۱۳۹۹ را با منفعت چرخه سرمایه‌داری گره زد و اکثریت توده کارگران و زحمتکشان جامعه را به هیچ گرفت! به سال ۱۳۹۹ ورود کرده‌ایم؛ می‌گویید سالی که نکوست از بهارش پیداست.

با ادای احترام به تمامی کارگران، معلمان، بازنشستگان، فعالان حقوق زن، دانش‌آموزان و دانشجویان و کنشگران محیط زیست و همه فعالان مدنی زندانی و ادای احترام به خانواده‌های‌شان، که در تمامی سال گذشته، از زندانی به زندانی دیگر در طلب آزادی عزیزان‌شان بودند. همچنین با اعلان همبستگی با کارگران اخراجی بدلیل مبارزه برای احقاق حقوق برحقشان، با ابراز همدردی با کارگرانی که ماه‌ها در طلب وصول حقوق‌های معوقه خود مبارزه کرده و بس هزینه پرداخته، به شلاق و تبعید و حبس‌های طولانی مدت محکوم شدند و متقاضیان بازگشت به کارواشتغال، خانواده‌های‌شان که با سفره‌های خالی و پستوی بیماری و قرنطینه و پروس کرونایی، سال را تازه می‌کنند، به سال جدید ورود می‌کنیم. امیدم فرزاندگی نیروی اردوی چند ده میلیونی رنج و کار جامعه است.

امسال هم به مانند چند سال پیش، خامنه‌ای با نام‌گذاری سال، همان ادا و اطوارهای سال‌های گذشته را ادامه داد. اوکه برای سال ۱۳۹۶ شعار: «اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال» را برگزید و برای سال بعد ۱۳۹۷ سرفصل جدیدی را با عنوان سال «حمایت از کالای ایرانی» عنوان کرد و برسال ۹۸ نام و شعار «رونق تولید» نهاد، سال ۹۹ را «جهش تولید» نام‌گذاری کرده است.

چنانچه این نام‌گذاری‌ها را مبنای ارزیابی‌های خود از فعل و انفعالات جنبش کارگری سالیانه بشناسیم، آنچه را که طی سال‌های ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ شاهد بودیم؛ سال‌هایی بودند که در حوزه اقتصاد، سیاست و در حوزه معیشت، خاصه امنیت شغلی و دیگر عرصه‌های زندگی مزد بگیران؛ هیچ‌کدام از وعده‌هایی که دولت روحانی و همه کارگزاران وزارت کار داده بودند، عملی نشد که هیچ، بلکه در عوض به اردوی میلیونی کارگران همه جا تعرض و فشار وارد گردید که هر سه سال گذشته، بمانند ویرانسرایی بیش نبوده است. حال با این شمای پشت سر گذاشته وارد سال «جهش تولید» می‌شویم.

آنچه طی سال گذشته بر جامعه ما گذشت، خاصه زندگی کارگران و زحمتکشان را بس هولناک تر ساخت. سال پیش رو (۱۳۹۹) با تمام شواهدی که از همه مشهود است، چه مصیبت هولناکی در برابر جامعه ما دهن باز کرده است. سال نو با ضرب‌آهنگ ابعاد فاجعه بار و پروس کرونا، کام بخش وسیعی از مردمان رنج و کار را در آستانه سال

جدید تلخ‌تر نمود؛ رخدادهای اسفبار کنونی نشان می‌دهد که انگار جای هیچ‌گونه تریک سال نویی در کار نیست. شادی و شادمانی بر زبان مردم متبادر نمی‌گردد. به ناگزیر تنها برای شما عزیزان رنج و کار جامعه و سفره‌های خالی مردمان بی‌چی؛ خواستار توان تحمل و پایداری همراه باسلامتی برای یکایک آنان در تمامی سال ۹۹ به انتظار می‌نشینیم و برای یکایک آنان آرزوی سرافرازه می‌نمایم!

آنچه در سال گذشته یعنی سال موسوم به «رونق تولید» خامنه‌ای شاهدش بودیم، رشد بلامنازع خصولتی کردن صنایع و خصوصی سازی بخش‌های دولتی، بلایی که طی سال‌های گذشته عملاً سر نیشکر هفت‌تپه و فولاد اهواز، هپکو، ماشین سازی تبریز و بخش زمین‌های دشت مغان، تعطیلی پنجاه و پنج کارخانه آسفالت، تعطیلی شرکت نکا چوب یکی از بزرگ‌ترین تولیدی‌های استان مازندران و یا در پیاپی سال گذشته که ۱۱۳ واحد تولیدی، به دلیل ناتوانی در بازپرداخت وام‌هایی که از بانک گرفته بودند، به ارزش ۴۷۰۰ میلیارد تومان به تملک بانک‌ها درآمده‌اند و ۱۰۴ واحد با ارزش ۶۰۰۰ میلیارد تومان به چرخه تولید بازنگشت و...، چه تضمینی است که باشعار سال «جهش تولید» به جهشی دست یابیم که با وسعت یافتن بخش خصوصی و دامنه خصولتی سازی ها، همه منابع و امکانات تولید کشور، فنا نیابد؟ با توجه به اینکه بین چرخش تولید و رونق آن، پیوندی ناگسستی وجود دارد، باید پرسید: دربرابر نام گذاری‌های بی پایه سالیانه خامنه‌ای، چه «جهش تولید»ی، در برابر نیروی رنج و کار جامعه که همه توان او را طی سال‌های گذشته گرفته و با بیکار سازی، قراردادهای موقت کاری، نپرداختن دستمزدها و به زندان کشاندن آنان، عملاً کارگران را از پیشروی باز داشته‌اند، چگونه جهشی میسر است؟ محتاطانه‌ترین حالت در سطح صنایع کشور برای سال آینده از ناحیه گستردگی تحریم‌های بین‌المللی، سقوط قیمت نفت و کاهش درآمد نفتی است. چرا که هنوز بخش بزرگی از درآمدهای موجود در بودجه، از محل تولید و فروش نفت است. از طرف دیگر هنگامی که رکود وجود دارد، بحث تحقق درآمدهای مالیاتی از بخش‌های سرمایه مالی نیز دچار تردید می‌شود. بنابراین به‌طور کل درآمد دولت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به همین علت این امکان وجود دارد که دولت سال آینده با کسری بودجه قابل توجه مواجه است و کشور در دوره پسا کرونا با ورشکستگی تمام عیاری روبرو خواهد شد.

امروز بیشمار پرسش‌ها در برابر حاکمیت و کارگزاران رژیم قرار دارد، از آن جمله: در شرایطی که نظام با تحریم گسترده جهانی روبرو است، تولید با کدام مواد اولیه انجام می‌شود؟ سال ۹۷ و خاصه ۹۸، ده‌ها و صدها واحد تولیدی بالکل تعطیل شده‌اند و بیش از نیم میلیون نفر کارگر صنعتی، تنها در صنعت خودرو سازی و بخش قطعه‌سازی بدلیل نداشتن مواد اولیه، کار خود را از دست دادند و امنیت شغلی آنان به خطر افتاد و به ارتش میلیونی بیکاران کشور افزوده شدند. در شرایطی بیش از صدها کارخانه از گردش تولید بازماندند، با کدام کارخانه و واحد تولیدی باید «جهش تولید»ی معنی پیدا کند؟ وقتی میزان بیکاران جامعه به مرز سونامی دو رقمی بالای یازده میلیون نفر رسیده‌اند. جدا از این مخالفان یا منتقدان دولت از آمار «واقعی» تا ۱۵ میلیون «بیکار پنهان» در ایران خبر می‌دهند. مرکز پژوهش‌های مجلس پیش‌بینی کرده بود که نرخ بیکاری در سال ۱۴۰۰ در «سناریوی خوش‌بینانه» به حدود ۱۶ درصد و در «سناریوی بدبینانه» به حدود ۲۶ درصد خواهد رسید. قرار گرفتن صندوق‌های بازنشستگی در آستانه ورشکستگی، ناتوانی دولت بدهکار در پرداخت مخارج جاری، وجود ۱۲ میلیون نفر زیر خط فقر و ۲۵ تا ۳۰ میلیون نفر زیر «خط نسبی فقر» از جمله جلوه‌های ابر چالش‌ها در ایران هستند. چگونه «جهش تولید» را شاهد می‌گردیم؟

حاصل کلام آنکه رهبری که توان بازپرداختن و متحقق کردن شعارهای سال‌های پیش خود، مبنی بر جاری نمودن «اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال» یا «حمایت از کالای ایرانی» تا به امروز نداشته، چگونه و بر چه پایه‌ای به سمت شعار «رونق تولید» می‌رود و آنرا به پرش یا «جهش تولید» می‌کشاند؟ دولت کارگذار ایشان با همه حشم، عمله و اکره ریز و درشتش تا به امروز نتوانستند در عمل اجتماعی این شعارها را معنی کنند بلکه به اتفاق هم،

جامعه را به گند کشیدند. تا به امروز هم شعار «رونق تولید» سال گذشته را پیاده نکرده، دارند برای پنجاه سال آینده مملکت نقشه می‌ریزید و همه دستگاه مملکت را پشت خود به خط می‌کنند که جامعه ایران را در سال ۱۴۴۴ از نظر سطح کلی پیشرفت و عدالت «در شمار چهار کشور برتر آسیا» و «هفت کشور برتر دنیا» به جهانیان بشناسانند؟

مردم جامعه ما در روزهای آخر هفته آبان ماه ۹۸، طی درگیری های خیابانی شعار دادند و بر درودیوار نوشتند:

«۴۰ سال خون گریستیم؛ بسه دیگه می‌ایستیم!»

مردم از دست یکایک شما و وعده وعیدهای تان به تنگ آمدند و حاضرند که جامعه به همان سطح اول انقلاب برگردد تا از شر وجودی شماها راحت گردند.

پیام نوروزی خامنه‌ای و نامگذاری امسال، نشان می‌دهد که نظام ولایت مطلقه فقیه‌اش خطرناکترین و بیروسی است که به جان مردم ایران افتاده و همه ارکان جامعه را به تباهی کشیده است.

خامنه‌ای در این پیام گفته است: «سیل، کرونا، زلزله و تحریم‌ها سال ۹۸ را سال پرتلاطم برای ملت ایران کرد، ولی «اوج این حوادث» «شهادت سردار نامدار ایران و اسلام، شهید سلیمانی بود».

از نظر خامنه‌ای کشتن حداقل ۱۵۰۰ نفر و اسارت حدود ۱۰۰۰۰ هزار نفر در زندان‌های سراسر کشور طی آبان گذشته، گرفتن جان ۱۷۶ مسافر پرواز هواپیمای اوکراینی، با موشک زدن آتش به‌اختیاران رهبر، آوارگی میلیونی مردم در اثر سیل ویرانگر آغاز سال، زلزله و مصیبت‌های مردم گرفتار، و حتی قتلعام کرونا که تا همین جا ده‌ها پزشک و پرستار را به کام مرگ فرستاده و به تخمین روحانی می‌تواند ۵۰ میلیون نفر را هم مبتلا کند و در کمترین برآورد بیش از یک و نیم میلیون نفر را بکشد، «اوج» حوادث سال، مصائب دامنگیر مردم جامعه ما نیست! از نظر خامنه‌ای هلاکت قاسم سلیمانی اوج حادثه است. کسی که سرنوشت یک فرد را به خاطر باورهایش از سرنوشت صدها هزار انسان بالاتر می‌داند، نمی‌تواند منافع اکثریت عظیم ایرانیان را در «اوج» بگذارد؛ نمی‌تواند برای سرنوشت این اکثریت دلسوز باشد. امروز همچون دیروز، دیکتاتوری ولایت فقیه، و بیروسی هزاران بار خطرناک‌تر از کروناست که در پیکر ملت نشسته و همه چیز را به نابودی کشانده. قرائن وجودی شما نشان داد که رژیم ننگین شما موشک برای انداختن هواپیمای مسافربری دارد، ولی ماسک و دستکش ندارد. ادعای محو کردن اسرائیل و آمریکا را دارید، ولی الکل برای ضد عفونی کردن ندارید. زندان به اندازه تمام مردم دارید، ولی درمانگاه و بیمارستان برای بیماران ندارید. شما خود و بیروس اید، و بیروس وحشت، و بیروس بی پناهی، و بیروس مرارت و جان سختی تن کارگران شما با تبخترشبه دانایان به زنده‌گان روزمزد می‌گویید: «درخانه بمانید!» تنها از همین روست که بیروس بیگانه باهستی مردم، جز مرگ و نیستی، فساد و تباهی، دروغ و نیرنگ، هیچ «جهش» دیگری را برای جامعه ما بدنبال ندارد. درمی یابیم که در این روزان سخت به طبقه ما چه گذشت و شما جز حرص، درد و دروغ و دروغ برای ما چیزی نداشتید!

کارگران ما می‌گویند: طبقه ما متعاقب ورود و بیروس کرونا به ایران و پنهان‌کاری‌های معمول نظام حاکم، و بعدتر اطمینان خاطر جامعه از استیصال دولت و تمامی کارگزاران حاکمیت اسلامی و عدم اراده و حتی توان مقابله با کرونا، انجمن‌ها و نهاد‌های خودجوش و کارگروه‌های یاری به یکدیگر را، به سان رخدادها و فجایع طبیعی و غیرطبیعی چند دهه‌ی اخیر در مقابل فجایعی چون سیل و حتی زلزله به کار بردیم، دیگر بار در نقاط مختلف کشور؛ گیلان - کردستان و جنوب ایران دست به کار شدند و با مراجعه به جامعه و سازمان‌دهی مردمی، اس و اساس تمامی طرح‌های این نهادها بود. ما با شناخت مان از شما دریافتیم؛ با توجه به تاخیر شما در اطلاع‌رسانی و پیشگیری‌های لازم، میزان تاثیرگذاری اقدامات دولتی درازدید و حتی بروز این فجایع واضح‌تر از آن است که نیازی به توضیح داشته باشد.

لذا ما کارگران می پرسیم : وقتی ما را در شرایط جنگ کرونایی تشویق به خانه نشستن می کنید؛ پاسخ به معیشت ما کارگران در کجاست و چه کسی پاسخگوست؟ ما اعلام می داریم: عزت و آبروی و کرامت در فقر نشسته ما، هیچ جای مصادره ندارد. «رونق تولید» از دل سقوط بیش از صدها تعطیلی واحدهای تولید در سال های ۹۷ و ۹۸ به یکباره به «جهش تولید» سال ۹۹ منتهی شد. زندگی مادر بر این جهش کاغذی چگونه پاسخ میگیرد؟

امروز همچون دیروز، تجربه زندگی بخور و نمیر ما کارگران و زحمتکشان نشان می دهد که حتی تولید خشک و خالی؛ بسته شدن و تعطیلی کارخانه ها و واحدهای تولید یکی پس از دیگری، ندادن مزد در ازای کار انجام شده که همه جزو امور واقعاً عادی شما است، آنچنان بانظام ایدئولوژیکی که اوج افتخارش «قاسم سلیمانی» و مشتی رانت خوار غارتگر و اختلاس گران پست، که سر نوشت تولید را در دست دارند، هیچگاه برای گذران زندگی ما کارگران محلی از اعراب ندارد. به اینها باید تئوری توهم توطئه خامنه ای را هم افزود. آنجا که می گوید: «ما دشمن زیاد داریم. هم دشمنان جن، جنی، هم دشمنان انسی. اینها به هم کمک هم می کنند»، از جنس طنز سیاه تاریخ برای گذران زندگی ما کارگران و محرومان جامعه ما است

با پشت سر گذاشتن تعطیلات نوروزی و سیزده سال، زمان زیادی برای استقبال از روز جهانی کارگر، اول ماه مه، نمانده است. اگر وضعیت دوره کرونایی بگذارد که گردهم آییم، خیز بر می داریم و در روز جهانی کارگر امسال با وسعت همگرایی ها، هم پوشانی ها، اتحاد عمل پایدار و همبسته بین اردوی میلیونی توده رنج و کار جامعه به هر سطح از افتراق، پشت کرده و با افق اتحاد عمل وسیع برای رودر رویی های سازمان یافته تر گام بر می داریم ولی انگار زمان مجال به خیابان آمدن را برای مان میسر نمی سازد. با اینهمه در کاریم!